



حل بحران مسکن با برنامه هفتم

می‌توانیم بحران مسکن را طی برنامه هفتم حل کنیم. گزارش ایسنا، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس گفت: ما در برنامه هفتم پیشرفت برای بخش مسکن رشد ۹ درصد را پیش بینی کرده‌ایم چرا که همه موارد مربوط به مسکن توان داخلی و بهانه‌ای از جمله ارز در این حوزه وجود ندارد اما براساس بررسی‌هایی که تاکنون داشته‌ایم نشان می‌دهد که شروع جدی اجرای برنامه در حوزه مسکن از امسال است. او با انتقاد از افزایش هزینه‌های ساخت مسکن افزود: اکنون صدور پروانه، قیمت مصالح و هزینه انشعابات و حتی هزینه‌های خدمات دولتی و خدمات نظام مهندسی افزایش قیمت داشته‌اند؛ به نظر من کمیسیون‌های تخصصی این بخش باید به این موضوعات توجه کنند. ما شاهد افزایش هزینه‌های ساخت هستیم در حالی که این حوزه وابستگی ارزی ندارد، بخشی از افزایش قیمت‌ها مربوط به بخش‌های دولتی است و همچنین درباره افزایش قیمت‌های انشعابات نیز قوانینی در مجلس وجود دارد.



افزایش سرمایه شبکه بانکی به ۱۰۰۰ همت

افزایش سرمایه نظام بانکی به ۱۰۰۰ همت از برنامه‌های مهم بانک مرکزی در سال جاری است و با هدف تأمین ارز به دنبال گسترش مرادوات بانکی در سطح منطقه و بین الملل خواهیم بود. به گزارش ایسنا، محمدرضا فرزین، رئیس بانک مرکزی گفت: افزایش سرمایه بانک‌ها، توان تأمین مالی آنها را افزایش می‌دهد و وضعیت ترازنامه بانک‌ها و کفایت سرمایه بانک‌ها را نیز بهبود خواهد بخشید. او همچنین سیاست تثبیت راحور اساسی برنامه‌های بانک مرکزی در سال ۱۴۰۴ خواند و افزود: بر مبنای سیاست تثبیت، نرخ ارز بازار از تجاری را در یک کانال مشخص تثبیت خواهیم کرد. همچنین برای کالاهای اساسی همچون سال گذشته نیز تأمین ارز با نرخ ۲۸۵۰۰ انجام خواهد شد تا نیازهای معیشتی مردم با قیمت مناسب به دست آنان برسد. فرزین گفت: هدفگذاری بانک مرکزی در دو سال گذشته، بازگشت به نرخ رشد نقدینگی بلندمدت اقتصاد در کانال ۲۵ درصد بوده که خوشبختانه محقق شده است و امسال نیز تلاش می‌کنیم در همین کانال حفظ شود.



کاهش تولید فولاد به دلیل ناترازی انرژی

ناترازی انرژی در سال گذشته راندمان تولید صنعت فولاد در کشور را کاهش داد و به ۶۱ درصد رساند. به گزارش ایرنا، محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به جایگاه مهم صنعت فولاد کشور در جهان گفت: صنعت فولاد کشور در سال‌های گذشته با راندمانی بیشتر از راندمان دنیا تولید داشت؛ به طوری که میانگین تولید این صنعت از میانگین تولید صنعت دنیا که ۷۷ درصد بود، بالاتر تولید می‌کرد اما راندمان تولید صنعت فولاد ایران در سال گذشته به ۶۱ درصد رسید که این میزان، قابلیت پرداخت صنعت سرمایه‌وری مثل فولاد را محدود می‌کند. او از معاون اول رئیس جمهور درخواست کرد که به برق صنعت فولاد توجه ویژه شود تا بتوان این صنعت را از این شرایط در سال جاری خارج کرد و به یمن اقداماتی که انجام می‌شود، با توسعه نیروگاه‌ها بتوان برق مورد نیاز صنعت فولاد را تأمین کرد.

نگاه حقوقدان



تصویر: Getty Images

قواعد بازی با لیست سیاه

پرپول‌ترین و پیررشته‌ترین معاملات اقتصادی به مناقصات دولتی مربوط می‌شود

اسناد مناقصه مبنی بر عدم امکان حضور شرکت‌کنندگان در سایر معاملات در صورت انجام ندادن تعهدات قبلی، می‌تواند از حضور این گروه از مناقصه‌گران در مناقصات آتی خودداری کرد. لذا باید توجه داشت که سلب حقوق اجتماعی برای همیشه حتی با رضایت و توافق طرفین، فاقد اعتبار قانونی است. ماده ۹۵۹ قانون مدنی اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند».

پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات تا سال ۱۳۹۲: پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات در سال ۱۳۸۳ و عدم تصریح به امکان ایجاد ممنوعیت برای شرکت‌های مناقصه‌گر در آن، همچنین تصریح ماده «۳۰» مبنی بر نسخ تمامی قوانین و مقررات معیار دستگاه‌های مشمول، فرایند عرفی متداول در ممنوع‌العمله کردن شرکت‌ها مقدور نیست. برخی از کارشناسان و مدیران اجرایی بر این باورند که استناد به اینکه قانون برگزاری مناقصات مجوزی برای این موضوع صادر نکرده ولی به دلیل عدم مخالفت و رد آن، همچنان می‌توان به ممنوع کردن شرکت‌های متخلف اقدام کرد؛ اما با توجه به اصل تفکیک قوا در قانون اساسی که به مفهوم عدم ورود و مداخله قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) در شرح وظایف یکدیگر است، صدور حکم محرومیت از تجارت و معامله با دستگاه‌های دولتی خارج از اختیارات قوه مجریه و به تبع آن شرکت‌های دولتی است.

همچنین با توجه به اصل جزایی «فُح عقاب بلائیان»، که در حقوق معاصر تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» مطرح است؛ صدور حکم محرومیت نیازمند دقت، سخت‌گیری و محدودیت است. عقاب به معنی کیفر دادن است و مقصود از بیان در این اصطلاح بیان جرم بودن عمل معین است. لذا طبق این اصل تا زمانی که قانون‌گذار عملی را به عنوان جرم و دارای مجازات بیان نکرده باشد، نمی‌توان شخصی را به خاطر ارتکاب آن مجازات کرد. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود»، نیز مؤید همین دیدگاه است.

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دو اثر دارد:
۱- عطف به‌ماسبق نشدن قوانین: یعنی قانون اثر قهقرایی نداشته و نسبت به ماقبل خود اثر ندارد و اثر آن نسبت به آینده است. فلسفه ایجاد این اصل جلوگیری از احتمال تضییع حقوق اشخاص است که در زمان قبل از تصویب قوانین جدید ایجاد گردیده است. ماده «۴» قانون مدنی که اشعار می‌دارد: «اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد»، در همین راستا است.

۲- تفسیر مضیق قوانین: در امور کیفری علاوه بر امور مالی، جان، شرف، حیثیت و نیز آزادی افراد مطرح است. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قواعد منع عقاب بلائیان و... مانع از آن است که قاضی بتواند از محدوده نظر قانون‌گذار فراتر رفته و دایره شمول مقررات جزایی را به مواردی که مورد نظر قانون‌گذار نبوده تعمیم دهد. لذا تفسیر بر مبنای نص صریح قوانین (به‌خصوص قوانین کیفری) و خودداری از گسترش دامنه آن به موارد مشابه و سکوت قانون‌گذار که تفسیر مضیق نامیده می‌شود صورت می‌پذیرد.

پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات و ایجاد نوآوری‌های

خصوص اشخاصی که به انحاء مختلف در استخدام دولت بوده‌اند به کار گرفته بود و توجه چندانی به ایجاد محرومیت برای شرکت‌ها و اشخاص خصوصی وجود نداشته و بیشتر به مجازات‌های حبس و جزای نقدی اشاره کرده بود. برای مثال قانون مجازات‌های تعزیری در خلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵، تنها به مجازات مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی، که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأثیر دهند و یا هر کس که از روابط خصوصی خود یا مأمورین یا مستخدمین سوءاستفاده کند، اشاره کرده است. همچنین قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹، صرفاً خسارات ناشی از تبانی در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداری‌ها را از طریق حبس تأدیبی و جزای نقدی برای مرتکب، و حبس و انفصال از خدمات دولتی در خصوص کارمندی که در ارتکاب تبانی مشارکت می‌نمایند پوشش می‌دهد و چنانچه چنانچه بدون وجود تبانی ضرری متوجه نهادهای مذکور گردد از شمول مجازات‌های مذکور نیز خارج است.

لذا در این دوره با توجه به وجود آیین‌نامه‌های مستقل معاملات و بخشنامه‌های داخلی در دستگاه‌های دولتی، فهرست‌های سیاه متعدد وجود داشته است که بر مبنای اختیارات مندرج در مصوبات داخلی دستگاه‌ها تهیه شده بود. برای مثال بند «۵» ماده «۳» آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران (مصوب ۱۳۸۳)، یکی از اختیارات کمیسیون معاملات را تهیه لیست سیاه عنوان داشته و اشعار داشته بود: «خارج کردن اسامی اشخاصی که در گذشته تعهدات خود را نسبت به شرکت انجام نداده‌اند از فهرست فروشندگان و انجام‌دهندگان کار و درج نام آن‌ها در لیست سیاه شرکت و منع معامله با آن‌ها برای مدت معین یا برای همیشه.»

با توجه به محتوای این بند می‌توان نکات زیر را استنباط کرد:

نخست: مشخص نیست منظور از عمل نکردن به تعهدات چیست و آیا تنها شامل برنده مناقصه یا مزایده است؟ یا آنکه مواردی مانند عدم پاسخ‌گویی به مناقصه‌گزار در مناقصه محدود، تأخیر در تحویل کالا یا اجرای پروژه و... را نیز شامل می‌شود؟ به عبارتی تفکیکی بین دوره برگزاری مناقصه و پس از انعقاد قرارداد صورت نگرفته بود.

دوم: مدت زمان ممنوع‌العمله شدن در دو قالب «مدت معین» و «برای همیشه» پیش‌بینی شده است؛ و همانند ابهام نخستین که ذکر شد، نحوه تشخیص ضرورت اعمال ممنوعیت موقت یا دائمی در تخلفات مناقصه‌گران مشخص نیست؛ برای مثال فوریت و اهمیت کالاهای مورد مناقصه در ممنوع‌العمله کردن همیشگی متخلف از شرایط قراردادی تا چه میزان مؤثر است و یا آنکه صرفاً به دلیل عدم تحویل هر نوع کالا می‌توان اقدام به ممنوعیت همیشگی کرد؟

سوم: بی‌طرفی لازم در رسیدگی به تخلفات مناقصه‌گران در این بند مورد توجه قرار نگرفته است. هر چند ضرورت صیانت از اموال عمومی و حقوق مردم که دستگاه‌های دولتی متولی آن هستند در ایجاد این دیدگاه مؤثر بوده است، اما محروم کردن اشخاص از حقوق اجتماعی که شرکت در مناقصات و مزایده‌های دولتی هم یکی از آن‌هاست، نیازمند رسیدگی قضایی بی‌طرفانه است.

به اعتقاد برخی از کارشناسان، در صورت درج شرطی در



جهانگیر خلیلی

مدیر پیشین حقوقی و قراردادهای شرکت نفت مرکزی ایران

در عرف تجاری شرکت‌های دولتی، ممنوع‌العمله به حالتی اطلاق می‌شود که اشخاص، دارای محرومیت‌های قانونی نظیر رابطه استخدامی مدیران و کارمندان یا عدم صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز در ارجاع کار نیستند، اما به دلیل قصور در تعهدات قراردادی سابق، از ادامه فعالیت ممنوع می‌شوند. لذا ممنوع‌العمله کردن اشخاص از سوی کارفرمایان و اعمال کیفر محرومیت از حقوق اقتصادی بدون مراجع به دادگستری، فرایندی خارج از اختیارات مستخدمین دولتی و قوانین مصوب در زمینه قواعد عمومی قراردادهاست

ممنوع‌العمله در عرف تجاری شرکت‌های دولتی
در تعریف ممنوع‌العمله کردن افراد متخلف، در قانون آمده است: «جلوگیری از حضور اشخاص در فرایند انتخاب طرف معامله و عدم انعقاد قرارداد با شرکت‌ها و اشخاصی که در معاملات پیشین، به تعهدات خود با شرکت عمل نکرده‌اند، ممنوع‌العمله نامیده می‌شود».

ملاحظه می‌شود که در عرف تجاری شرکت‌های دولتی، ممنوع‌العمله به حالتی اطلاق می‌شود که اشخاص، دارای محرومیت‌های قانونی نظیر رابطه استخدامی مدیران و کارمندان یا عدم صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز در ارجاع کار نیستند، اما به دلیل قصور در تعهدات قراردادی سابق، از ادامه فعالیت ممنوع می‌شوند. لذا ممنوع‌العمله کردن اشخاص از سوی کارفرمایان و اعمال کیفر محرومیت از حقوق اقتصادی بدون مراجعه به دادگستری، فرایندی خارج از اختیارات مستخدمین دولتی و قوانین مصوب در زمینه قواعد عمومی قراردادهاست که از طریق جبران خسارت به‌وسیله درج وجه التزام، حق فسخ، الزام و... در قانون مدنی برای پایبندی به شرایط مورد توافق در قراردادها و مقابله با تخطی از مفاد آن، پیش‌بینی شده است. هر چند قوانین کیفری نیز در موارد متعدد به منظور تقویت حقوق اشخاص جامعه و صیانت از نظم عمومی، عدول از توافقات قراردادی را مشمول مجازات‌های کیفری قرارداده است که بدان اشاره خواهد شد.

ممنوع‌العمله در قوانین معاملاتی
شاید بتوان فرایند تهیه لیست سیاه و ممنوع‌العمله کردن شرکت‌ها را به سه دوره تقسیم کرد:
قبل از سال ۱۳۸۳:
تا زمان تصویب قانون برگزاری مناقصات در سال ۱۳۸۳، ممنوع‌العمله کردن شرکت‌ها از فرایند مشخص و مستقلی تبعیت نمی‌کرد و قوانین متعدد کیفری غالباً ممنوعیت را در